شرکت در انتخابات کفر است

ای اهل سنت ایران به سوی آتش دعوت می شوید از آن بپرهیزید

به قلم:

ابواسامه الغریب (فك اللّه اسره)

الحمد الكبير المتعال والصلاۀ والسلام على الضحوك القتال نبی الرحمۀ و نبی الملحمۀ و علی آله و صحبه و سلم تسلیما کثیرا إلی یوم القیامۀ

اما بعد

وضـعیت عمومی کشـورهای جهان به گونه ای اسـت که هر روز طواغیت بیش از روز گذ شته بر مردم م سلط می شوند و شرایع و قوانین خود را به آنان دیکته کرده و آن را پیاده می نمایند.

در این میان نقش علمای دولتی و درباری در گمراه کردن مردم و ادامه خواب و غفلت آنان برجسـته اسـت چرا که هر روز با فتواهای خود مردم را به سـوی چیزهایی دعوت می کنند که اللّه هیچ دلیلی بر آن نازل نفرموده بلکه در مقابل می بینیم که آیات قرآن پر از اشـارات صـریح اسـت به مخالفت با این گونه فتواهای ضـد دین اللّه تعالی لذا و به دلیل نزدیک بودن انتخابات مجلس شـورای اسـلامی ایران که مجلسـی مخالف اسـلام اسـت و همچنین مجلس خبرگان رهبری آن مجلس طاغوتی که بزرگترین شـیاطین انس ایران در آن گرد هم می آیند تا ضـد اسـلام و مسـلمانان توطئه نمایند

بر خود لازم دانستیم که حکم شرعی شرکت در انتخابات مجلس و مجلس خبرگان را آن گونه که در دین اللّه تعالی آمده اسـت روشـن نماییم به امید آنکه دل هایی غافل، هوشـیار و چشـم هایی خفته، بیدار و گوش هایی سنگین، شنوا گردد.

1_ تشریح حکم به غیر ما انزل اللّه :

همانگونه که پیداست حق حاکمیت و وضع قوانین در جامعه اسلامی تنها و تنها حق اللّه تعالی است همانگونه که عبادت شدن فقط مخصوص اللّه است. پس کسی که حق قانونگذاری را به غیر اللّه می بخشد مانند کسی است که معتقد به خالق و آفریدگاری غیر اللّه است و برای غیر اللّه نماز می خواند یا برای غیر اللّه سجده می برد و هیچ فرقی با هم ندارند.

اللّه تعالی می فرماید : «آگاه باشید که خلق و امر از آن اوست، پس پرخیر است اللّه که پروردگار عالمیان است.»

[الأعراف_54]

و همچنین می فرماید : « و پروردگارت هرچه را بخواهد می آفریند و برمی گزیند و آنها را اختیاری نیست، اللّه منزه و فراتر از آن چیزی است که شریک (او) می سازند.»

[القصص_68]

و می فرماید: « آیا برای آنها شریکانی هست که برایشان از دین، چیزی را که اللّه بدان رخصت نداده تشریع کرده اند؟ و اگر آن سخن (مهلت) قطعی نبود مسلّماً میان آنها حکم می شد و البته برای ظالمان، عذابی دردناک است.»

[الشوری_21]

پس همانگونه که پیداست اللّه تعالی حق حکم کردن و امر نمودن و دستور دادن را فقط برای خود قائل شده و آن را برای کسی جز خود حلال نساخته است.

در نتیجه کسانی که به جای حکم اللّه، حکم جدیدی را گذاشته و براساس بر قضایای زندگی مردم از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و غیر آن حکم می کنند خود را شریك اللّه ساخته اند و از چند جهت از دین اسلام خارج شده اند.

وضعیت حکم کردن به غیر آنچه اللّه نازل کرده است تنها به قانون گذاری ختم نمی شود بلکه حکومت های کفری منطقه از سه جهت دچار کفر می شوند :

- یکم :

قانون گذاری که خود به تنهایی کفری مستقل است حتی اگر اجرا هم نشود. اللّه می فرماید: « آیا برای آنها شریکانی هست که برایشان از دین، چیزی را که اللّه بدان رخصت نداده تشریع کرده اند؟ و اگر آن سخن (مهلت) قطعی نبود مسلّماً میان آنها حکم می شد و البته برای ظالمان، عذابی دردناك است.

[الشوری_21]

- **دوم :**

ترکـ حکم نمودن به آنچه اللّه نازل کرده است.

اللّه تعالی می فرماید : « و هر کس به آنچه اللّه نازل نموده حکم نکنند پس همانا آنان کافران هستند.»

[المائدة_44]

پس همچنان که می بینیم مجرد حکم نکردن به آنچه اللّه نازل نموده کفر بوده بلکه اللّه اصل کافران چنین کسانی قرار داده است.

- **سوم :**

اجرا کردن حکم های وضعی : یعنی اینکه کسانی که حکم های تصویب شده در مجلس را اجرا می کنند هم دچار کفر می شوند که این کار توسط دولت ها یا آنچه که به عنوان قوه مجریه شناخته می شود انجام می پذیرد.

2_ وجوب اطاعت اللّه و رسولش صلی اللّه علیه و سلم :

برای هر مسلمانی که از دین خود خبر دارد روشن است که پیروی کردن از اللّه و رسولش صلی اللّه علیه و سلم واجب است.

اللّه تعالی می فرماید : « ای کسانی که ایمان آورده اید، اللّه را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را[نیز] اطاعت کنید؛ پس هر گاه در امری [دینی

] اختلاف نظر یافتید، اگر به اللّه و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] اللّه و[سنت] پیامبر[او] عرضه بدارید، این بهتر و نیك فرجام تر است.»

[النساء_59]

و همچنین می فرماید : « ولی چنین نیست، به پروردگارت قسم که ایمان نمی آورند، مگر آنکه تو را در مورد آنچه میان آنان مایهء اختلاف است داور گردانند؛ سپس از حکمی که کرده ای در دلهایشان احساس ناراحتی [و تردید] نکنند، و کاملا سر تسلیم فرود آورند.»

[النساء_65]

و می فرماید : « و آنچه که رسول اللّه به شما بدهد آن را بگیرید، و از آنچه که شما را از آن نهی کرده است پس خودداری کنید.»

[الحشر_7]

و آیات فراوان دیگری که به اطاعت اللّه و رسولش صلی اللّه علیه و سلم امر نموده و آن را واجب کرده و نسبت به سرپیچی کردن از آن هشدار داده است.

3_ تشریح احکام وضعی انسان و ضررهای آن :

اللّه تعالی انسان را آفریده و تمامی نیازهایش را برای یک زندگی سالم فراهم کرده و او را بیهوده رها نساخته تا هرگونه که خواست زندگی کند

بلکه اللّه تعالی در طول تاریخ پیامبرانی را فرستاده تا راه راست را برایشان روشن کرده و از راه شیطان بترسانند.

اما می بینیم که حزب شیطان با اللّه و دینش به مبارزه برخاسته و در همه مسائل با آن مخالفت کرده اند.

پس حکم کردن را به احکام وضعی برای انسان ها زینت داده است.

یکی از ضررهای حکم وضعی مخالفت با حکم اللّه و رسولش صلی اللّه علیه و سلم است که موجب غضب اللّه تعالی می شود.

اللّه تعالی می فرماید: « و هر کس، پس از آنکه راه هدایت برای او آشکار شد با پیامبر به مخالفت برخیزد، و[راهی] غیر راه مؤمنان در پیش گیرد، وی را بدانچه روی خود را بدان سو کرده واگذاریم و به دوزخش کشانیم، و چه بازگشتگاه بدی است.»

[النساء_115]

از ضررهای دیگر حکم کردن به احکام وضعی اختلاط احکام شرعی در مورد مردم است چرا که دین اللّه مردم را بر اساس ایمان و کفر تقسیم بندی کرده و به معیارهای دیگر اهمیت نداده است اما احکام وضعی انسان ها را بر اساس معیارهای جاهلی مانند رنگ پوست و زبان و وطن و غیره تقسیم کرده است در نتیجه احکامی را که اللّه گذاشته به جای نیامده و احکام به هم می خورد.

یکی از ضررهای حکم کردن به احکام وضعی پخش شدن فساد در همه زمینه ها است پس می بینیم که در جامعه فساد سیاسی و اقتصادی و اجتماعی پراکنده شده پس زنا و ظلم و ربا و غیره همه ی انسان ها را جز آنکه اللّه به او رحم کرده فرا گرفته است.

و ضررهای فراوان دیگر که از ترس طولانی شدن از ذکر آن صرف نظر می کنیم.

4_ آگاه کردن مردم از شر انتخابات :

اما به دلیل قدرت استعمارگران غربی و پس از تشکیل سازمان ملل متحد و پایان جنگ دوم، آنان خود از صحنه مستقیم نبرد با مردم مسلمان کنار رفته و مزدورانی را که خود پرورش داده بودند گماردند تا همچنان تمامی ثروت های مسلمانان زیر سلطه شان باشد پس مردم را با دموکراسی گول زدند که تعریفش چنین است :

دمکراسی : حکومت مردم و دست به دست شدن مسالمت آمیز قدرت و جدایی قوا (قوه مجریه و مقننه و قضاییه) و استقلال دستگاه قضایی و احترام به حقوق بشر و رهبری قانون ساختگی بشر بر مردم است.

یکی از مهمترین ارکان دمکراسی انتخابات آزاد است که همه مردم در آن حق شرکت دارند و در نهایت هم کسی سرنوشت کشور را تعیین می کند که اکثریت آرای مردم را در انتخابات پارلمان به دست آورد.

کشور ایران هم از این قاعده مستثنی نیست و نظر به اینکه حدود بیست و پنج تا سی درصد مردم آن اهل سنت و جماعت هستند تلاش کرده با انواع ترفندها مردم اهل سنت را زیر سلطه ولایت فقیه که مذهبش شیعه اثنی‌عشری است نگه دارد.

در نتیجه هر از چند گاهی انتخاباتی نمایشی را برگزار می کنند تا سر مردم شیره بمالند.

حال ما می پرسیم آیا واقعا کسانی که انتخاب می کنید نماینده شما هستند و برای دفاع از حقوق شما به مجلس می روند یا اینکه آنان کسانی هستند که دین خود را فروخته اند و خدمتگزار نظام طاغوتی و کفر ایران شده اند و برای به دست آوردن پاره ای از متاع ناچیز دنیا حاضر شده اند با دشمن درجه اول اهل سنت متحد شوند؟؟؟

برای پاسخ به این سوال کافی است نگاهی به آیین نامه انتخابات مجلس و آیین نامه داخلی آن بیاندازیم تا متوجه حقیقت شویم.

در آیین نامه انتخابات مجلس آمده است :

} ""به استناد ماده 28 قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی ، انتخاب شوندگان هنگام ثبت نام باید دارای شرایط زیر باشند :

1- اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران

2- تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران .

3- ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه

(به نقل از سایت وزارت کشور)

خب این شرایط، اثبات کننده چیست؟؟؟

آیا کسی که این شرایط را قبول می کند برای خدمت به اسلام و مسلمانان قدم بر می دارد یا برای خیانت به اللّه و رسولش صلی اللّه علیه و سلم؟؟؟

آیا نظام جمهوری اسلامی ایران نظامی اسلامی است یا مخالف قرآن و سنت و اقوال ائمه بزرگوار اهل سنت؟؟؟

آیا ولایت مطلقه فقیه در قرآن یا سنت آمده یا فقط ساخته و پرداخته هوا و هوس شاه اسماعیل صفوی است؟؟؟

پس ای مردم اهل سنت بدانید که آن کسی که خود را برای نماینده مجلس کاندیدا می کند حق کاندیداتوری را هم ندارد تا این کفریات را قبول کند

حال ما می گوییم آیا می دانید که قانون اساسی ایران مخالف دین اللّه است؟؟

آیا می دانید که قانون ایران ربا را حلال کرده است؟؟

در حالیکه اللّه تعالی می فرماید: « و اللّه معامله را حلال کرده و ربا را حرام نموده است.»

[البقرة_274]

آیا می دانید که این کسانی که خود را برای نمایندگی کاندید می کنند با اللّه تعالی در یکی از صفت های مخصوص او یعنی قانونگذاری به منازعه برخاسته اند.

اللّه تعالی می فرماید: « آیا برای آنها شریکانی هست که برایشان از دین، چیزی را که اللّه بدان رخصت نداده تشریع کرده اند؟ و اگر آن سخن (مهلت) قطعی نبود مسلّماً میان آنها حکم می شد و البته برای ظالمان، عذابی دردناک است.»

[الشوری_21]

حال آنکه در آیین نامه داخلی مجلس آمده است :

باب دوم - وظایف و اختیارات مجلس شورای اسلامی

فصل اول - قانونگذاری""به نقل از سایت مجلس

در حالیکه اللّه تعالی قانونگذاری را فقط برای خود قرار داده است و هرکس با او نزاع کند قطعا دچار عذابی دردناك خواهد شد...

پس بدان و آگاه باش

هنگامی که رأی می دهی، دچار شریک قرار دادن برای اللّه شده ای

چون کسی را تأیید کرده ای که برای قانونگذاری کاندیدا شده است و خود را شریک اللّه ساخته است و بدان که قانونی که در انتخابات وجود دارد مقبولیت رأی اکثریت است نه دین اللّه تعالی...

پس قبل از آنکه دچار مصیبتی به این بزرگی شوی و از دین اللّه خارج شوی از رأی دادن به نمایندگان مجلس کفری ایران دست بردار و توبه کن که اللّه توبه کنندگان را دوست دارد.

آیا رژیمی که شب و روز در سوریه و لبنان و عراق و یمن و غیره مشغول کشتن اهل سنت است، در کشور خودش حقوق تو را رعایت می کند؟؟؟

هرگز....

و انتخابات تنها نیرنگی است از طرف شیطان بزرگ ایران، خامنه ای برای فریب دادن اهل سنت بیچاره ایران که در خواب غفلت فرو رفته و نمی دانیم کی می خواهد از این خواب برخیزد

در پایان از عموم مسلمانان بالخصوص اهل سنت ایران دعوت می کنیم که در انتخابات ها شرکت نکنند برای اینکه شرکت در انتخابات مسئله ای مرتبط به ایمان شان به اللّه وشرك وکفر به او است

بعلاوه اینکه با شرکت در انتخابات ایران دستشان به خون شهدای اهل سنت آغشته میشود چرا که در در انتخابات حکومتی شرکت میکند که اهل سنت را در همه دنیا و خصوصا در عراق و سوریه و یمن و لبنان قتل عام میکند و کسی که از آن دوری می جوید وارد رحمت اللّه تعالی میشود.

از اللّه تعالی می خواهیم که ما را در آگاه ساختن اهل سنت ایران نسبت به توطئه های رژیم ایران و بازگرداندن ایشان به سوی عقیده صحیح بر اساس قرآن و سنت و فهم صحابه سهیم گرداند.

و آخر دعوانا ان الحمد للّه رب العالمین

ابواسامه الغریب

دوم جمادی الاول 1437